

اصول دموکراسی

معرفی

گرچه این اصطلاح در جهان امروزی در همه جا یکسان بوده، تشریح دموکراسی میتواند توضیح بیشتر ایجاد نماید. این سلسله برای خواننده مقاله مختصر را برای خواننده میسر ساخته و بعداً قسمت های مشخص حکومت داری دموکراتیک را به موضوعات انفرادی تقسیم می نماید. هر مقاله این سلسله افکار تیوریسن های برجسته و روش های مشترك بسا جوامع آزاد را که اکنون تحت سیستم های حکومت داری دموکراتیک رشد می نمایند منعکس می سازد.

دموکراسی چیست؟

دموکراسی از کلمه یونانی "دیموس"، که بمعنی مردم میباشد، گرفته شده است. در دموکراسی، مردم بالای مقنن و حکومت حکمروایی می نمایند.

گرچه بین دموکراسی های متنوع جهان فرق جزیی موجود بوده، برخی از اساسات و شیوه ها حکومت دموکراتیک را از دیگر اشکال حکومت متمایز می نماید.

- دموکراسی حکومتی است که در آن قدرت و مسوولیت اتباع توسط تمام اتباع مستقیماً یا از طریق نمایندگان منتخب انجام میابد.

- دموکراسی یک مجموعه اصول و روش های است که آزادی بشر را محافظت میکند؛ این ایجادگر و مؤسس آزادی میباشد.

- دموکراسی متکی بر اصول حکمروائی اکثریت بوده، که حقوق فرد و اقلیت با آن یکجا گردیده است. کلیه دموکراسی ها، در حالیکه به اراده اکثریت احترام میگذارد، با شوق و ذوق حقوق اساسی افراد و گروپ های اقلیت را حفظ می نماید.

- دموکراسی علیه تمام حکومت های مقتدر مرکزی بوده، قدرت و اختیارات حکومت مرکزی را به سطوح منطقوی و محلی توزیع می نماید، با درک اینکه حکومت محلی تا حد امکان قابل دسترسی و جوابگوی مردم باشد.

- دموکراسی میدانده یکی از فعالیت های ابتدائی آن همانا دفاع از حقوق اساسی بشر،

مانند- آزادی بیان و مذهب، حق محافظت مساوی مطابق قانون؛ و فرصت سازماندهی و اشتراک در زندگی سیاسی، اقتصادی و کلتوری جامعه میباشد.

- دموکراسی انتخابات منظم، آزاد و عادلانه را که به روی همه اتباع کشور گشوده باشد، برگزار میکند. انتخابات در دموکراسی نمی تواند بشکل تظاهر باشد تا دیکتاتورها یا حزب واحد عقب آن پنهان شود، بلکه رقابت صحیح برای کمک و حمایت مردم میباشد.

- دموکراسی حکومت ها را مشروط به حاکمیت قانون دانسته و اطمینان میدهد که کلیه اتباع کشور تحت قانون از محافظت مساوی برخوردار باشند و اینکه حقوق آنها توسط سیستم قانونی محافظت میگردد

- دموکراسی متنوع و گوناگون بوده و زندگی بی نظیر سیاسی، اجتماعی و کلتوری هر ملت را منعکس می سازد. دموکراسی متکی بر اصول اساسی بوده، نه رشوش های یکسان و یکنواخت.
- در دموکراسی اتباع نه تنها دارای حقوق میباشند، بلکه آنها مسئولیت دارند در سیستم سیاسی اشتراك نمایند که ان، به نوبه خود، حقوق و آزادی های آنها را محافظت می نماید.
- جوامع دموکراتیک متعهد به ارزش های تحمل، بردباری، همکاری و مصالحه میباشند. دموکراسی می پذیرد که رسیدن به توافق مستلزم مصالحه بوده، و نمی توان همواره بدست آمد. بنا به گفته مهاتما گاندی "عدم تحمل بذات خود یک شکل خشونت (تشدد) بوده، و مانع رشد روحیه واقعی دموکراسی می باشد."

حاکمیت اکثریت و حقوق اقلیت ها

ظاهراً، اساسات حاکمیت اکثریت و محافظت حقوق فردی و اقلیت ها متناقض بنظر میرسد، اما در حقیقت این اصول پایه های دوگانه بوده که بنیاد آنچه را نگه میدارد که ما انرا حکومت دموکراتیک می پنداریم.

• حاکمیت اکثریت یک وسیله برای تشکیل حکومت و حل مسایل عامه بوده؛ این طریقه دیگری برای ظلم و ستم نمی باشد. طوریکه يك گروه خودگماشته حق ندارد بر دیگران ظلم کند، اکثریت هم، حتی در يك دموکراسی نباید حقوق و آزادی های گروه اقلیت یا فرد را سلب نماید.

• اقلیت ها - چه نسبت نژادی، عقیده مذهبی، موقعیت جغرافیایی، سطح عاید، یا

منحیث با زنده گان در انتخابات یا بحث سیاسی
- - از حقوق تضمین شده اساسی بشر برخوردار
بوده، و نباید حکومت اکثریت، منتخب یا غیر
منتخب، آنرا از بین ببرد.

• اقلیت باید اطمینان داشته باشد که حکومت
حقوق و هویت - خودی آنها را حراست خواهد
کرد. وقتی چنین به انجام می رسد، اینگونه
گروپ ها میتوانند در موسسات دموکراتیک
کشور خویش اشتراک و با آن کمک نمایند.

• منجمله حقوق اساسی بشر که هر حکومت
دموکراتیک باید آنرا محافظت نماید، همانا
آزادی بیان و اظهار نظر؛ آزادی مذهب و عقیده،
رفتار منصفانه و حراست مساوی بر مبنای قانون؛
و آزادی سازماندهی، بیان، اختلاف عقیده و
اشتراک کامل در زندگی عامه جامعه میباشد.

- دموکراسی میدانند که محافظت حقوق اقلیت ها بمنظور بلند نگهداشتن هویت کلتوری ، روش های اجتماعی، وجدان فردی و فعالیت های مذهبی یکی از وظایف مقدماتی آنها است.

- پذیرش گروپ های نژادی و کلتوری، که نا آشنا معلوم می شود اگر چه برای اکثریت بیگانه نباشد، میتواند بزرگترین درد سر برای حکومت دموکراتیک گردد. اما دموکراسی می پذیرد که تنوع می توان سرمایه عظیمی باشد. اینها این اختلافات را در هویت، کلتور و ارزش ها به مثابه چیلنج تلقی مینمایند که آنها را مستحکم و غنی می سازد، نه بحیث تهدید.

- برای اینکه اختلافات گروپ اقلیت در نظریات و ارزش ها چگونه حل گردد، پاسخ واحد وجود ندارد—تنها آگاهی درست که تنها از طریق پروسه دموکراتیک تحمل، بحث و آرزومندی برای مصالحه، جوامع آزاد میتوانند

به توافق برسند ، که پایه های دو گانگی حاکمیت
اکثریت و حقوق اقلیت را در اغوش می کشد.

روابط قوای نظامی و مقامات ملکی

مسایل جنگ و صلح مفاهیم عمدايست که هر ملت بآن روبرو میشود، و در بحران، ملت ها برای حصول زعامت به قوای نظامی متوسل میشوند. نه در دموکراسی.

در دموکراسی، مسایل صلح و جنگ یا تهدیدات دیگر در برابر امنیت ملی موضوعات نهایت مهم بوده که یک جامعه با آن مواجه می شود. و به همین ترتیب باید توسط مردم از طریق نمایندگان منتخب خود باید حل و فصل گردد. قوای نظامی دموکراتیک به ملت خود خدمت می نماید، نه اینکه آنرا رهبری کند. رهبران نظامی، به رهبران منتخب مشوره می دهند و تصامیم آنها را عملی می کنند. تنها آنهاییکه توسط مردم

انتخاب گردیده اند صلاحیت و مسؤولیت دارند تا سرنوشت یک ملت را تعیین نمایند.

کنترول و صلاحیت افراد ملکی بر نظامی مبادی دموکراسی میباشد.

- افراد ملکی ضرورت دارند تا قوای نظامی ملت را رهنمایی و مسایل دفاع ملی را تصمیم گیرند - نه اینکه از نظامیان ملکی تراند، بلکه نسبت اینکه نمایندگان مردم بوده و در برابر آنها در اتخاذ این تصمیم مسؤولیت دارند.

- در دموکراسی قوای نظامی، ملت و آزادی های مردم آنها حراست می نماید. آن هیچ یک موقف سیاسی یا گروپ قومی و اجتماعی را حمایه یا از آن نمایندگی نمی کند. آن به ایدیال های والای ملت، حاکمیت قانون و به پر نسیپ های دموکراسی صادق و وفادار میباشد.

- کنترل توسط افراد ملکی این مسئله را یقینی می سازد که ارزش ها، موسسات و پالیسی های یک کشور برگزیده های آزاد مردم بوده، نه از قوای نظامی. هدف قوای نظامی دفاع از جامعه است، نه تشریح آن.

- هر حکومت دموکراتیک به مهارت و مشوره مسلکیان نظامی در رسیدن به تصامیم پالیسی درباره دفاع و امنیت ملی ارزش میدهد. مامورین ملکی برای مشورت تخصصی درین موضوعات و عملی نمودن تصامیم حکومت بر قوای نظامی تکیه نمایند. اما تنها رهبری منتخب ملکی باید تصامیم نهائی اتخاذ نماید که قوای نظامی در ساحه خود انرا جامعه عمل می پوشاند.

- بدون تردید افراد نظامی، مانند دیگر اتباع کشور، در حیات سیاسی کشور بطور مکمل و مساوی اشتراک می نمایند—اما تنها بحیث رای

دهنده منفرد. افراد نظامی قبل از اشتراك در سیاست، باید از خدمت نظامی تقاعد نمایند؛ وظایف مسلحانه باید از سیاست جدا باشد. نظامیان خادمان بی طرف دولت و نگهبانان جامعه می باشند.

- سرانجام، کنترل ملکی بر نظامی مطمئن می سازد که مسایل دفاعی و امنیت ملی ارزش های اساسی دموکراتیک مانند حاکمیت اکثریت، حقوق اقلیت و آزادی بیان، مذهب و محاکمه مناسب را به مخاطره نمی اندازد. این مسئولیت کلیه رهبران بوده تا کنترل ملکی و مسئولیت نظامی مبنی بر اطاعت از احکام مقامات ذیصلاح را نافذ و مرعی الاجراء گرداند.

احزاب سیاسی

بمنظور محافظت حقوق و آزادی های فردی، مردم دموکراتیک باید متحداً باهم کار نمایند، تا حکومت دلخواه خود را بوجود بیاورند. راه اساسی انجام دادن آن، همانا از طریق احزاب سیاسی میباشد.

- احزاب سیاسی مؤسسات رضا کار اند، که مردم را با حکومت مرتبط می سازد. احزاب کاندیدان را استخدام کرده و برای انتخاب آنها در پست های حکومتی مبارزه می نمایند، و مردم را بسیج می نمایند، تا در انتخاب رهبران حکومت اشتراک کند.

- حزب اکثریت (یا حزبی که برای کنترل پست های حکومتی انتخاب گردیده باشد) در جستجوی وضع کردن یک تعداد پالیسی ها

و پروگرام ها در قانون میباشند. احزاب مخالف آزاد اند تا عقاید و پالیسی حزب اکثریت را مورد انتقاد قرار داده و پیشنهادات خود را ارائه نمایند.

- احزاب سیاسی زمینه را برای اتباع کشور فراهم می نمایند، تا مامورین منتخب حزب را برای اعمال آنها در حکومت مسؤل پندارند.

- احزاب دموکرا تیک سیاسی به اساسات دموکراسی معتقد بوده و از همین رهگذر صلاحیت حکومت منتخب را بر سمت شناخته و به آن احترام میگذارند، حتی اگر رهبران حزبی آنها در قدرت هم نباشند.

- مانند هر دموکراسی، اعضای احزاب سیاسی متنوع، تنوع کلتور های که در آن بزرگ شده اند منعکس می سازد. برخی از آنها کوچک

بوده و دور عقاید سیاسی رشد می نمایند.
دیگران دور منافع اقتصادی یا تاریخ
مشترک تشکیل می گردد. همچنان دیگران
تا متحدین گسسته باشندگان متفاوت بوده
که محض درایام انتخابات باهم یکجا می
شوند.

• همه احزاب سیاسی دموکراتیک، چه جنبش
های کوچک یا ائتلاف های ملی بزرگ
باشند، در ارزش های مصالحه و بردباری
باهم شریک اند. اینها میدانند که تنها از
طریق ائتلاف های وسیع و همکاری بادیگر
احزاب سیاسی و مؤسسات می توانند
رهبری و بصیرت عامه را بوجو بیاورد که
حمایت مردم را کمایی خواهند کرد.

• احزاب دموکراتیک می پذیرند که نظریت
سیاسی مایع و تغییر پذیر می باشد، و توافق
کلی اکثراً از میان کشمکش های عقاید و

ارزش ها در بحث صلح آمیز، ازاد و علنی بر می خیزد.

• مفکوره اپوزیسیون وفادار نقش کلیدی را در هر دموکراسی بازی می نماید. این به این معنی است که تمام جوانب در بحث سیاسی، با وجود اختلافات عمیق، ارزش های اساسی دموکراتیک ازادی بیان و عقیده و محافظت مساوی تحت قانون را دارند. احزابی که انتخابات را می بازند، به نقش اپوزیسیون می آغازند- آنها مطمئن اند که نظام سیاسی به محافظت حقوق آنها ادامه خواهد داد تا متشکل گردیده و عقاید خود را ازادانه بیان نمایند. زمانی، حزب آنها برای عقاید خود و آرای مردم دوباره چانس مبارزه بدست خواهد آورد.

• در دموکراسی، مبارزه میان احزاب سیاسی
جنگ برای زنده ماندن نبوده، بلکه رقابت در
راه خدمت به مردم می باشد.

مسئولیت های اتباع

بر خلاف دیکتاتوری، حکومت دموکراتیک
غرض خدمت بمردم زیست می نماید، اما اتباع
در دموکراسی نیز بنوبه خود باید توافق نمایند تا
ان قوانین و مکلفیت های خود را رعایت نمایند
که توسط ان اداره می شوند. دموکراسی، بشمول
آزادی اختلاف عقیده و انتقاد، به اتباع خود بسا
آزادی ها را اعطا میکند.

تابعیت در دموکراسی ایجاب اشتراک، آداب
و حتی فرو گذاشت را می نماید

- اتباع دموکراتیک میدانند که آنها نه تنها
حقوق دارند، بلکه مسئولیت ها نیز دارند.
آنها می پذیرند که دموکراسی مستلزم
سرمایه گذاری زمان و زحمتکشی میباشد.

حکومت مردم تقاضای نظارت و حمایت
پایدار توسط مردم را می‌نماید.

• تحت برخی از حکومتات دموکراتیک،
اشتراک مدنی به این معنی است، که ساکنین
باید در هیئت قضائی خدمت نمایند یا
عسکر جبری دهند یا برای مدتی در خدمت
غیر نظامی ملی وظیفه اجرا نمایند. سایر
مکلفیت‌ها در کلیه دموکراسی‌ها قابل
تطبیق بوده و مسئولیت واحد اتباع بوده-
که در میان این‌ها احترام به قانون موضوع
عمده می‌باشد. پرداخت سهمیه مالیات،
پذیرفتن صلاحیت حکومت انتخابی و
احترام به حقوق آنها که نظر متفاوت دارند،
نیز مثال‌های مسئولیت اتباع می‌باشد.

• اتباع دموکراتیک میدانند که آنها باید بار
جامعه خود را بدوش داشته باشند، اگر می
خواهند از محافظت حقوق برخوردار باشند.

• در جوامع آزاد چنین ضرب المثل است:
حکومتی را بدست آرید که شما مستحق آن
هستید. برای موفقیت دموکراسی، اتباع
باید فعال باشند، نه غیر فعال، زیرا آنها
میدانند که کامیابی و ناکامی حکومت
مسئولیت آنها بوده، نه از دیگران. بالنوبه،
اراکین حکومت میدانند که باهمه اتباع
یکسان رفتار شود و اینکه رشوت در
حکومت دموکراتیک جای پای ندارد.

• در یک نظام دموکراتیک، هر گاه مردم از
رهبران خود ناراض باشند، آزاد اند
سازماندهی نموده بطور صلح آمیز برای تغییر
مبارزه نمایند. - یا سعی نمایند تا در اوقات
معین انتخابات از طریق ندادن رای رهبران
را از قدرت برکنار نمایند.

• بمنظور سالم بودن، دموکراسی نیازمندی
بیشتر به انتخابات ضمنی توسط اتباع دارد.

اینها به توجه غیر متزلزل، زمان و تعهد عده زیاد اتباع نیاز دارند، که به نوبه خود از حکومت می طلبند حقوق و آزادی های آنها را محافظت نماید.

- در دموکراسی اتباع با احزاب سیاسی می پیوندند، و برای کاندیدان مورد پسند خود مبارزه می نمایند. آنها این حقیقت را می پذیرند که حزب آنها همواره در قدرت باقی نمی ماند.

- اینها آزاد اند تا بمنظور انتخاب خود را کاندید نموده یا برای مدتی مانند مامورین انتخابی خدمت نمایند.

- آنها از مطبوعات آزاد غرض ابراز نظر روی مسایل محلی و ملی استفاده می نمایند.

- آنها با اتحادیه های کار گری، گروپ های جامعه و انجمن های تجارتي ملحق می شوند.

- آنها با مؤسسات رضا کار خصوصی که با آنها منافع مشترک دارند یکجا می شوند، بدون اینکه آنها متعهد به مذهب، کلتور نژادی یا قومی و مطالعات علمی، هنر ها، ادبیات، بهبود همسایگی، تبادل شاگردان و محصلین بین المللی یا صدها فعالیت های دیگر اند یا خیر.

- همه این گروپ ها- بدون اینکه آنها از حکومت دور یا به آن نزدیک باشند- باغنای و سالم بودن دموکراسی کمک و مساعدت می نماید.

مطبوعات آزاد

در دموکراسی مطبوعات باید از کنترل حکومت آزاد باشد. حکومت دموکراتیک وزارت های اطلاعات ندارند تا محتویات اخبار یا فعالیت های ژورنالیست ها را کنترل نماید. ایجاباتی که ژورنالیست ها باید توسط دولت معاینه گردد؛ یا ژورنالستان را مجبور سازند با اتحادیه های که توسط حکومت کنترل می شود یکجا شوند.

مطبوعات آزاد مردم را مطلع می سازد، رهبران را مسئول نگه میدارد و زمینه را برای بحث روی مسایل محلی و ملی فراهم می سازد.

• دموکراسی حضور مطبوعات آزاد را رشد میدهد. يك قوه قضايه مستقل،

جامعه مدنی با حاکمیت قانون و گفتار آزاد همه مطبوعات آزاد را حمایت می نماید. مطبوعات آزاد باید از محافظت قانونی برخوردار باشد.

• در دموکراسی، حکومت مسئول اعمال خویش میباشد. بنابراین اهالی توقع دارند از فیصله هاییکه حکومت به نمایندگی آنها اتخاذ می نماید مطلع شوند. مطبوعات مفکوره " حق دانستن" را از طریق نظارت بر حکومت ، کمک با اهالی مبنی بر مسئول پنداشتن حکومت و پرسش از پالیسی آن تسهیل می بخشد. حکومت های دموکراتیک زمینه دسترسی ژورنالستان را به گرد همائی های عامه و اسناد عامه میسر می سازد. آنها محدودیت های قبلی وارد نمی کنند

که ژورنالستان چه گفته و طبع کرده می
توانند.

• مطبوعات خودش باید مسؤلانه عمل
نماید. از طریق اتحاد های مسلکی،
شورای ازاد مطبوعات و محتسبین
(نقادان داخلی که شکایات عامه مردم را
می شنوند)، مطبوعات راجع به زیاده
روی های خود پاسخ گفته و در داخل
مسؤل می ماند.

• دموکراسی از مردم می طلبد تا برگزینند
و تصمیم گیرند. بمنظور اینکه مردم بر
ژورنالستان اعتماد نمایند، ژورنالستان
باید گزارشات واقعینانه مبنی بر منابع
و معلومات موثق تهیه نمایند. دزدی
افکار دیگران، گزارش نا درست تاثیر
منفی بر مطبوعات آزاد می نماید.

- مراکز مطبوعات باید هیئت مدیره غیر وابسته و آزاد از کنترل حکومت خود را ایجاد نمایند، تا جمع آوری و پخش اطلاعات را از پروسه های سر مقاله جدا سازد.

- ژورنالستان نباید تحت تأثیر افکار عامه رفته، بلکه تا جایی که می توانند در جستجوی حقایق باشند. دموکراسی به مطبوعات اجازه میدهد تا جمع آوری و گزارشدهی خبرها را بدون ترس از حکومت انجام دهد.

- دموکراسی مبارزه انجام ناپذیر را بین دو حقوق رشد میدهد: مکلفیت حکومت جهت محافظت امنیت ملی و حق مردم در امر آگاهی مبنی بر توانایی ژورنالستان. حکومت بعضی اوقات نیاز داد تا دسترسی به معلوماتیکه حساسیت

بیشتر را برای نشر عامه بر می انگیزد
محدود سازد. اما ژورنالستان در
دموکراسی در دنبال کردن چنین
معلومات کاملاً حق بجانب میباشند.

فدرالیزم

هنگامی که گروه های متفاوتی از مردم آزاد - با
لسان ها، عقاید مذهبی یا معیارهای فرهنگی
متفاوت - انتخاب می کنند که در چوکات يك
قانون اساسی زندگی کنند، انتظارشان این است
که از استقلال محلی و امکانات مساوی
اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشند. در نظام
حکومتی فدرالی - که قدرت در سطح محلی،
منطقه ای و کشوری تقسیم می شود - اختیارات
به دست مامورین منتخب سپرده می شود که
سیاست های مناسب را برای رفع نیازمندی های
محل و منطقه وضع می نمایند. آنان با حکومت
ملی و يك دیگر همکاری می نمایند تا مشکلات
فراوان کشور را از سر راه بردارند.

• فدرالیزم نظام تقسیم قدرت و تصمیم گیری بین دو یا چند حکومت است که به صورت آزاد انتخاب شده اند و حوزه اختیاراتشان، مردم و مناطق جغرافیایی مشترکی را در بر می گیرد. این نظام امکان تصمیم گیری را در مواردی که نتایج آن ها به سرعت مورد نیاز است - هم در اجتماعات محلی و هم در سطوح بالاتر حکومتی - ایجاد و از آن حمایت می کند.

• فدرالیزم مسوولیت حکومت را در برابر مردم رشد می دهد و با فراهم ساختن امکان طرح و اجرای قوانین محلی، به اشتراك مردمی و مسوولیت پذیری آنان كمك می نماید.

• نظام فدرالی، توسط يك قانون اساسی مكتوب اختیار دهنده و تعیین کننده مسوولیت های مشترك مربوط به هر سطح از حکومت تقویت می شود.

- در حالیکه که معمولا بر سر برآوردن نیازهای محلی توسط حکومت محلی توافق وجود دارد، بهترین راه برخورد با برخی از مسایل، سپردن آنان به حکومت ملی است. به عنوان نمونه می توان از موارد دفاع، معاهده های بین المللی، بودجه های فدرالی و خدمات پستی نام برد.

- فرامین محلی، نشانگر اولویت های اجتماعات محلی برای زندگی است. گزیده های پولیس و اطفائی، اداره مدارس و قوانین صحتی و ساختمانی از جمله مواردی هستند که اکثرا به صورت محلی طرح و اجرا می شوند.

- در نظام فدرالی، روابط میان حکومتی بدان معنا است که حکومت های مختلف (ملی، منطقه ای و محلی) در زمان نیاز به برخورد مشارکت آمیز در مسایل مربوط به اختیارات

قانونی، با يك ديگر همكاری می کنند.
میانجی گری در اختلافات بین منطقه ای
شاید از اختیارات حکومت ملی است.

- در کشوری که از لحاظ جغرافیایی بزرگ و
دارای اقتصادی متنوع است، نابرابری های
موجود در عواید و تامین اجتماعی مناطق
می تواند از طریق تدابیر توزیع مجدد
مالیات ها به وسیله حکومت ملی رفع شود.

- نظام فدرالی، پاسخگو و همه گیر است.
اتباع در تمام سطوح می توانند کاندید کسب
پست های حکومتی شوند. حکومت های
محلی و منطقه ای بیشترین پست ها و شاید
بیشترین شرایط را برای ایجاد تحول در
اجتماعات شان فراهم می سازند .

- فدرالیزم امکانات متعددی را برای احزاب
سیاسی در جهت خدمت به انتخاب کنندگان

شان فراهم می سازد. حتی اگر يك حزب در
بخش های مقننه و اجرائیه کشور دارای
اکثریت نباشد، اجازه اشتراك در سطوح
محلی و منطقه ای را دارا است.

حاکمیت قانون

در بیشتر قسمت تاریخ بشریت، حاکمان و قانون در يك ردیف قرار داشتند - قانون به سادگی اراده حاکم بود. نخستین گام در جهت فاصله گرفتن از این استبداد، نظر حاکمیت به وسیله قانون بود که مفهوم پایین تر بودن حاکم از قانون و الزام او برای حاکمیت از راه های قانونی شامل بود. حکومت های دموکراتیک با ایجاد حاکمیت قانون، در این راه فراتر رفتند. هرچند هیچ جامعه ای بدون مشکل نیست، اما حاکمیت قانون از حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حمایت می کند و به یاد ما می آورد که استبداد و بی قانونی تنها خواسته های ما نیستند.

- حاکمیت قانون بدان معنا است که هیچ فردی، چه رئیس جمهور و چه يك فرد

عادی از قانون بالاتر نیست. حکومت های دموکراتیک، قدرت را از طریق قانون به کار می بندند و خود ملزم به اطاعت از آن هستند.

- قوانین باید خواسته های مردم را اظهار نموده و نه هوس شاهان، زورگویان، مقامات نظامی، رهبران مذهبی یا احزاب.

- مردم در حکومت های دموکراتیک خواهان پیروی از قانون هستند، چرا که از قوانین و مقررات خودشان اطاعت می کنند. هنگامی که قانون توسط مردمی گذاشته می شود که باید از آن اطاعت کنند عدالت به بهترین نحو ممکن برقرار می شود.

- برای حاکمیت قانون، یک سیستم قدرتمند و مستقل محاکم لازم است که دارای اختیار، منابع و حیثیت لازم جهت زیر

سوال بردن مقامات حکومتی و حتی رهبران در برابر قوانین و مقررات ملت باشد.

- از این رو قضات باید بسیار تعلیم دیده، مسلکی، مستقل و بی طرف باشند. آنان برای انجام وظیفه ضروری شان در نظام قانونی و قضایی باید به اصول دموکراتیک پابند باشند.

- قوانین حکومت دموکراتیک ممکن است سرچشمه های گوناگونی از قبیل: قانون های اساسی مکتوب، مصوبات و قواعد، تعلیمات مذهبی و اخلاقی و آداب و رسوم فرهنگی داشته باشند. قوانین، بدون در نظر گرفتن سرچشمه شان باید برای حفاظت از حقوق و آزادی های مردم پیش بینی های لازم را به عمل آورند:

- از آن جا که شرط قانون، حمایت یکسان از همگان است، نمی تواند تنها برای يك فرد یا گروه قابل اجرا باشد.
- اتباع باید از بازداشت خودسرانه و تفتیش بی دلیل منازل یا مصادره اموال شان مصون باشند.
- اتباع متهم به جنایت، مستحق محاکمه سریع و علنی هستند و حق دارند که با شاکیانشان مخالفت یا از ایشان سوال نمایند. اگر این افراد محکوم شوند، مجازات بی رظالمانه و غیر معمول برای آنان در نظر گرفته نمی شود.
- اتباع را نمی توان به مجبور به شهادت بر ضد خودشان نمود. این اصل اتباع را در برابر اجبر، سوء استفاده یا شکنجه محافظت می کند و اقدام پولیس را به چنین رفتارهایی به شدت کاهش می دهد.

حقوق بشر

تمام انسان ها با حقوق مسلمی به دنیا می آیند. این حقوق بشر به مردم اجازه می دهد که زندگی شرافتمندانه ای را تعقیب کنند - بنابراین هیچ حکومتی نمی تواند این حقوق را اعطا کند، ولی تمام حکومت ها موظف به حفظ آن هستند. آزادی که بر اساس عدالت، بردباری، شرافت و احترام - بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب، ارتباط سیاسی یا موقف اجتماعی - شکل می گیرد به مردم اجازه می دهد تا در پی این حقوق اصولی باشند. در حالی که نظام های استبدادی حقوق بشر را نفی می کنند، جوامع آزاد برای رسیدن به آن ها همواره در تلاش اند.

حقوق بشر به يك ديگر وابسته و تفكيك ناپذير هستند؛ آنان جنبه های بی شمار هستی انسان از

جمله مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را در بر می گیرند. از میان پذیرفته شده ترین آن ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- همه مردم باید حق ایجاد نظر و اظهار آن را به صورت فردی و یا از طریق انجمن های صلح آمیز داشته باشند. جوامع آزاد "بازار نظرات" را تشکیل می دهند که در آن ها افراد درباره هر تعداد موضوعی که مایل باشند، به تبادل نظر می پردازند.

- تمام مردم باید حق اشتراك در حکومت را دارا باشند. حکومت ها باید به وضع قوانینی در حمایت از حقوق بشر پردازند و در عین حال دستگاه های قضایی باید این قوانین را به صورت یکسان برای مردم به اجرا در آورند.

• آزادی از بازداشت خودسرانه، حبس و شکنجه - چه فرد مورد نظر از مخالفان حزب قدرتمند باشد، چه اقلیت نژادی و چه يك جنايتكار عادى - از حقوق اساسي بشر به شمار مى رود. يك نيروى پوليس مسلكى به تمام اتباع احترام مينمايد، در حاليكه قوانين کشور را اجرا مينمايد.

• در کشورهایی با نژادهای گوناگون، اقلیت های مذهبی و قومی باید بدون نگرانی از تهمت های اکثریت مردم، در استفاده از زبان و حفظ سنت هایشان آزاد باشند. حکومت ها باید در عين احترام به اراده اکثریت، به حقوق اقلیت ها نیز توجه داشته باشند.

• تمام مردم باید دارای فرصت کار، کسب معاش و حمايت از خانواده هاي شان باشند.

• لازم است که از اطفال حمایت ویژه به عمل آید. آنان باید حداقل به تعلیمات ابتدایی، تغذیه درست و صحت دسترسی داشته باشند.

• برای حفظ حقوق بشر لازم است که اتباع هر جامعه آزاد، هشیار باشند. مسئولیت اتباع - به صورت تعدادی از فعالیت های مشارکتی - ضامن پاسخگو ماندن حکومت به مردم است. خانواده کشورهای آزاد به فعالیت در زمینه حفظ حقوق بشر متعهد است. آنان از طریق چندین معاهدات و قرارداد های بین المللی درباره حقوق بشر به این تعهد، رسمیت می بخشند.

قوه اجراییه

رهبران حکومت های دموکراتیک، با موافقت مردم حکومت می کنند. قدرت این رهبران به دلیل تسلط بر ارتش ها یا ثروت اقتصادی نیست. علت این قدرت، احترام به حدودی است که رای دهندگان در انتخابات آزاد و عادلانه برای آنان قایل شده اند.

• افراد در حکومت های دموکراتیک، طی انتخابات آزاد، قدرت هایی را که توسط قانون تعریف شده اند به رهبران شان می سپرند. در دموکراسی قانونی، قدرت ها به نحوی تقسیم بندی می شوند که قوه مقننه به وضع قوانین بپردازد، قوه اجراییه آن ها اجرا و عملی درنموده و قوه قضاییه به طور مستقل فعالیت نماید.

- رهبران حکومت های دموکراتیک نه مستبدان منتخب و نه ”روسای جمهور مادام العمر“ هستند. آنان برای زمان مشخصی قدرت را در دست دارند و نتایج انتخابات آزاد را حتی اگر به مفهوم کناره گیری شان از قدرت حکومتی باشد می پذیرند.

- در حکومت های قانونی دموکراتیک، قدرت اجرایی معمولاً به سه طریق محدود می شود: توسط يك نظام بررسی و سنجش که قوای اجراییه، مقننه و قضاییه را از یکدیگر جدا می سازد؛ توسط فدرالیسم که قدرت را بین حکومت ملی و حکومت های ایالتی / منطقه ای تقسیم می کند؛ و توسط ضمانت های قانونی حقوق اساسی.

- حدود قدرت اجرایی در سطح ملی توسط مرجعیت قانونی که در شاخه قانون گذار قرار

داده شده است و نیز يك دستگاه قضایی مستقل، مشخص می شود.

• قدرت اجرایی در حکومت های دموکراتیک امروزی معمولاً به یکی از این دو صورت تنظیم می می گردد: نظام پارلمانی یا نظام ریاست جمهوری.

- در نظام پارلمانی، حزب اکثریت مقننه، شاخه اجرایی حکومت را به ریاست صدراعظم، تشکیل می دهد.

- در نظام پارلمانی، شاخه های مقننه و اجراییه کاملاً از یکدیگر مجزا نیستند، زیرا صدراعظم و اعضای کابینه از داخل پارلمان انتخاب می شوند. در چنین نظام های، اپوزیسیون سیاسی وسیله اصلی محدود نمودن یا نظارت بر عملکرد اجراییه به شمار می رود.

- در نظام ریاست جمهوری، رئیس جمهور جدا از اعضای هیات قانون گذار انتخاب می شود.

- در نظام ریاست جمهوری، رئیس جمهور و هر کدام مبانی قدرت و حوزه های سیاسی خود را دارا هستند تا بتوانند در حین خدمت، یکدیگر را ارزیابی و سنجش نمایند.

• حکومت های دموکراتیک، تنها خواهان دولت هایی محدود و نه ضعیف هستند. در نتیجه توافق بر سر مسایل ملی ممکن است به کندی صورت گیرد، اما زمانی که محقق شد، رهبران این حکومت ها می توانند با قدرت و اطمینان زیاد دست به کار شوند.

• رهبران حکومت های دموکراتیک قانونمند، فعالیت هایشان را همواره در چارچوب قانون

که قدرتشان را تعریف و حدود آن را مشخص
می سازد، می گنجانند.

قوه مقننه

نمایندگان منتخب در يك حكومت دموكراتيك -
اعضای پارلمان، شورا یا کانگرس - وظیفه دارند
که به مردم خدمت کنند. آنان وظایفی را بر عهده
دارند که برای سلامتی يك حكومت دموكراتيك
ضروری است.

• در يك دموكراسی نماینده، قانون سازان
منتخب مجامع اصلی بررسی بحث و تصویب
قانون به شمار می روند. این پارلمان مهر
تاییدی نیست که تنها تصمیمات يك رهبر
مستبد را به تصویب برساند.

• اختیارات نظارت و تحقیق به مقننه اجازه می
دهد که مقامات حکومتی را برای اعمال و
تصامیم شان به زیر سوال برند و گذشته از آن
بر عملکرد وزارت خانه های گوناگون

حکومتی - به ویژه در نظام ریاست جمهوری که قوه مقننه جدا از قوه اجرائیه است - نظارت داشته باشند.

- قانون گذاران می توانند بودیجه کشور را به تصویب برسانند، در موارد ضروری جلسه غیر رسمی برگزار نمایند و صاحب منصبان اجرائیه را در محاکم و وزارت خانه ها مورد تایید قرار دهند. در برخی از حکومت های دموکراتیک، کمیته های قانون گذار برای قانون گذاران امکان بررسی علنی مسایل کشور را فراهم می سازند.

- هیات های قانون گذار ممکن است از حکومت پشتیبانی کنند یا تبدیل به یک اپوزیسیون سیاسی شوند که سیاست ها و برنامه های متفاوتی را پیشنهاد می دهد.

• قانون گذاران وظیفه دارند نظریات شان را به موثرترین نحو ممکن و به روشنی بیان نمایند. اما آنان باید به بردباری و احترام که اصول اخلاقی دموکراسی به شمار می روند پایبند باشند و برای رسیدن به توافق هایی که به نفع رفاه همه مردم - و نه فقط حامیان سیاسی شان - است، مصالحه نمایند. هر عضو قوه مقننه باید به تنهایی تصمیم بگیرد که چگونه بین رفاه عامه و منافع حوزه محلی اش توازن برقرار نماید.

• قانون گذاران، همواره برای رای دهندگان شان جلساتی تشکیل می دهند و مشکلات و اعتراضات شخصی شان را جهت همدردی با آنان - و نیز برای تقاضای کمک از افراد حکومتی - مطرح می سازند. آنان همواره برای این منظور دارای يك گروه از مشاوران آموزش دیده اند.

• قانون گذاران ملی معمولاً به یکی از این دو طریق انتخاب می شوند. در انتخابات مستقیم که گاه "اکثریت نسبی" سیستم متناسب نامیده می شود، کاندیدان که بیشترین آرا را کسب کند، انتخاب می گردد. در شیوه انتخاب احزاب که اکثر برای انتخابات پارلمان به کار می رود، رای دهندگان معمولاً به احزاب و نه به افراد رای می دهند و نمایندگان بر پایه فیصدی رای حزب شان انتخاب می شوند.

• سیستم متناسب، زمینه را برای احزاب کوچک تر چندگانه و به شدت سازمان یافته فراهم می سازد. انتخابات مستقیم نظام را به سمت نامنسجم تر دو حزبی هدایت می کند. در هر دو شیوه، نمایندگان در مباحثات، مذاکرات، تشکیل ائتلاف ها و مصالحات

که صفات بارز قوه مقننه دموکراتیک به شمار می روند ، شرکت می کنند .

- قانون سازان همواره دارای دو مجلس و دو بخش هستند و قوانین جدید باید از هر دو مجلس بالاتر و پایین تر گذرانده شوند .

قضائیه مستقل

قضات مستقل و مسلکی، اساس يك نظام قضائی عادلانه، بی طرف و متعهد به قانون که قوه قضائیه نامیده می شود، به شمار می روند. این استقلال بدان معنا نیست که قضات می توانند بر اساس ترجیحات شخصی شان تصمیم گیری نمایند؛ بلکه به معنای آزادی آنان در صدور احکام قانونی است- حتی اگر این حکم ها در مواردی بر ضد حکومت یا جناح های قدرتمند باشد.

- در حکومت های دموکراتیک، داشتن استقلال در برابر فشارهای سیاسی مقامات منتخب و قانون گذاران، ضامن بی طرفی قضات است. حکم محکمه باید بی طرف و بر پایه حقایق قضیه، امتیازات فردی و استدلال های قانونی، قانون های مربوطه و بدون هیچ گونه

محدودیت یا تاثیرات نادرست از جناح های
ذیربط باشد. این اصول، حمایت قانون را از
همگان تضمین می نماید.

- اختیار قضات در بررسی قوانین و اعلام
نقض قانون اساسی کشور در موارد لازم،
نظارت اساسی بر سوء استفاده احتمالی
حکومت از قدرت به شمار می رود- حتی
اگر حکومت، منتخب اکثریت مردم باشد. با
این اوصاف چنین قدرتی نیازمند آن است که
محاکم مستقل باشند و بتوانند بر پایه قانون
و نه با در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی
تصمیم گیری نمایند.

- لازم است که هم قضات انتخابی و هم قضات
انتصابی برای آن که بتوانند بدون نگرانی از
فشار یا حمله مقامات قدرتمند حکم صادر
کنند، از مصونیت وظیفوی یا حق تصدی
تضمین شده قانون برخوردار باشند. جامعه

مدنی از اهمیت قضات مسلکی آگاه است و برای آنان آموزش و عواید مناسب فراهم می‌سازد.

- اطمینان از بی‌طرفی نظام محاکم - به صورتی که شاخه "غیر سیاسی" حکومت تلقی شود - سرچشمه اصلی قوت و مشروعیت آن به شمار می‌رود.

- به هر حال، محاکم کشور نیز مانند سایر نهادها از تبصره‌ها، بررسی و انتقادهای عمومی مبرا نیست. آزادی بیان متعلق به همگان است و برای قضات و منتقدانشان تفاوتی ندارد.

- برای تضمین بی‌طرفی، اخلاق قضایی از قضات می‌خواهد که از قضاوت قضایی مغایر با منافع شان کناره‌گیری (یا "خودداری") کنند.

• در حکومت های دموکراتیک نمی شود قضاات را به دلیل شکایات صغیرها انتقادهای سیاسی برکنار کرد. آنان فقط می توانند به دلیل جنایات جدی یا نقض قانون در پروسه های طولانی و مشکل زیر سوال بردن (متهم کردن) و محاکمه - در مجلس قانون گذاری یا در برابر محکمه دیگر - سلب مسوولیت شوند.

• يك قضایه مستقل به مردم اطمینان می دهد که احکام محکمه مبنی بر قانون اساسی و قوانین ملی و نه بر پایه قدرت سیاسی متغیر یا فشارهای وارد از جانب اکثریت موقت، صادر می شود. از برکت این استقلال، سستم قضایی در دموکراسی، ضامن محافظت حقوق و آزادی های مردم به شمار می رود.

قانون اساسی

يك قانون اساسی تدوین شده شامل همه قوانینی می گردد که افراد يك ملت موافقه نموده اند تا در سایه ان زندگی نمایند و قانون اساسی ستون اصلی حکومت ان ها را تشکیل میدهد. به این اساس قانون اساسی تأمین کننده آزادی های فردی، حقوق اجتماعی و محدود کننده قدرت حکومت و اساس حکومت دموکراتیک را تشکیل میدهد.

يك جامعه متکی به قانون اساسی مبتنی به این حقیقت است که قدرت يك حکومت مسؤل و دموکراتیک باید به وسیله قانون اساسی محدود ساخته شود.

قانون اساسی خواسته ها و اهداف اساسی يك جامعه بشمول رفاه عامه مردم را مشخص می سازد.

تمام قوانین باید بر طبق قانون اساسی تحریر گردد. در يك نظام دموکراتیک قوه مستقل قضائی بمردم حق میدهد تا در برابر انعده قوانین عکس العمل نشان دهند که به فکر آنها غیر قانونی یا برضد قانون اساسی است. قوه قضائیه هم چنان بمردم حق میدهد تا زیان های وارده بمردم را که نسبت اقدامات غیر قانونی مقامات دولتی بوقوع پیوسته باشد بحکم محکمه جبران نماید.

قانون اساسی حدود صلاحیت حکومت را تعیین می کند ، چارچوکات ان را تشکیل میدهد و چنان سیستمی ایجاد میکند که حکومت را قادر می سازد تا از صلاحیت خود استفاده نموده و

قانون اساسی مبداء سائر قوانین در آینده می گردد.

قانون اساسی به تشریح تابعیت پرداخته و چنان اصولی وضع می کند تا به اساس آن معلوم گردد که چه کسی حق دارد رای بدهد.

قانون اساسی بنیاد سیاسی، اجرائی و قضائی يك کشور را تشکیل میدهد که در آن چگونگی تشکیل قوای مقننه و قضائیه، اقتضات يك اداره منتخب و تعیین مدت کار مأمورین رسمی و منتخب حکومت شامل است.

يك قانون اساسی مسؤولیت های وزارت خانه های دولتی را مشخص می سازد، صلاحیت اعطای مالیه را بحکومت می دهد و يك قوه دفاعیه را تشکیل میدهد.

در يك سيستم فدرالی قانون اساسی صلاحیت
های بخش های مختلف حکومت را تقسیم می
نماید.

از انجاییکه قانون اساسی در يك مدت زمانی
معین تدوین میگردد بناءً باید قابل تعدیل باشد
تا بتواند در آینده با خواسته های متغیر مردم در
تطابق قرار گیرد. از همین جهت است که قوانین
اساسی بخاطر توانائی مقابله با توقعات و چلنج
های غیر متوقعه اکثراً طوری تحریر می گردد که
اصول عمومی حکومت را تشریح نماید.

معمولاً دو نوع حقوق شامل قانون اساسی است:
حقوق مثبت و حقوق منفی.

حقوق منفی عبارت از حقوقی است که بحکومت
خاطر نشان می سازد که چه کار های را نمیتواند
انجام دهد. این حقوق دست حکومت را نگه

میدارد و نمیگذارد حکومت کارهای را انجام دهد که يك تعداد کارهای مردم را متاثر سازد.

حقوق مثبت به حکومت خاطر نشان می سازد که چگونه باید عمل کند و حقوق اتباع را تشریح میکند. درین جمله حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شامل بوده که تضمین حکومت از حقوق متعدد اجتماعی را نیز مشتمل می گردد.

به همین ترتیب ممکن است حق تعلیمات ابتدائی برای پسران و دختران تضمین شود، رفاه افراد بعد از تقاعد، دریافت کار به همه اتباع و مراقبت صحی برای همه تأمین گردد.

ازادی بیان

ازادی بیان مخصوصاً در مورد موضوعات سیاسی و سایر موضوعات مربوط به مردم همچو خون در بدن دموکراسی اهمیت دارد. حکومت دموکراتیک متون اکثر بیانات تحریری و یا شفاهی را کنترل نمی نماید. بناءً دموکراسی معمولاً مملو از نظریات مختلف و حتی مخالف میباشد.

بر طبق نظریه دموکراسی بحث آزاد و شفاف روی موضوعات نتایج مطلوب به بار آورده از اشتباهات احتمالی جلوگیری می نماید.

دموکراسی به چنان اتباع دانشمندی متکی میباشد که بوسیله علم و معلومات خویش میتوانند تا حد ممکن در زنده گی سیاسی اشتراك ورزند و بر حکام ظالم و نا معقول حکومت و یا پالیسی های آنها انتقاد نمایند.

اتباع و نمایندگان منتخب شان این حقیقت را
درک مینمایند که دموکراسی تا حد زیادی بر
نظریات ازاد، ارقام و مفکوره ها استوار است.

برای اینکه مردم ازاد بتوانند کشور خویش را
اداره کنند، باید این توانایی را داشته باشند تا
نظریات شان را بطور ازادانه و شفاف بصورت
مسلسل در محضر عام تحریری و شفاهی بیان
نمایند.

اصل ازادی بیان در دموکراسی باید توسط قانون
اساسی تضمین شده و قوه های اجرائیه یا مقننه
از سانسور ان منع شود.

حفظ ازادی بیان به اصطلاح از جمله حقوق منفی
بوده از حکومت و اضحاً میخواهد تا از اقداماتی
اجتناب نماید که بموجب ان ازادی بیان محدود
شود و حکومت دموکراتیک اکثراً در تهیه متن ها

بیانیه های تحریری و یا شفاهی در اجتماعات
خویش را دخیل نمی سازد.

تظاهرات امتحان هر دموکراسی پنداشته میشود.
بناءً حق تظاهرات مسالمت آمیز مهم بوده جزء
اساسی زمینه سازی برای آزادی بیان پنداشته
میشود.

يك جامعه مدنی بمردم این حق را میدهد تا
مردمی که روی مسایل اختلافات عمیق دارند در
مورد آن عملاً به بحث بپردازند.

آزادی بیان يك حق اساسی است ولی ازین حق
نمیتوان بمنظور ایجاد تشدد، اهانت، تخریب و
یا سائر اعمال نا مشروع استفاده نمود.
دموکراسی های استوار و متکی بخود عموماً به
هشدارهای جدی نیاز دارند تا به اساس آن از
اظهاراتی جلوگیری نماید که ممکن است باعث
تشدد شود، به ابروی دیگران بصورت غیر واقعی

صدمه برساند ، موجب انحلال يك حکومت
قانونی گردد و اعمال نا مطلوب را افزایش
بخشد. در اکثر دموکراسی ها به بیاناتی اجازه
داده نمیشود که موجب ایجاد تشنجات قومی یا
نژادی میگردد. چلنج مهم يك دموکراسی اینست
تا توازن را نگهدارد: طوری که از یکطرف از
ازادی بیان دفاع نماید و از جانب دیگر از
اظهاراتی جلوگیری کند که موجب تشدد ، تخریب
و تهدید می گردد.

پاسخگوئی یا قبول مسؤلیت از جانب حکومت
پاسخگوئی حکومت بدین معنی است که مقامات
رسمی حکومت چه انتخابی باشند یا انتسابی
مکلف اند تا در مورد فیصله ها و اقدامات
خویش بمردم معلومات دهند. پاسخگوئی
میتواند از طرق مختلف سیاسی، قانونی و یا
اداری صورت گرفته و هدف از آن جلوگیری از
فساد باشد و ضمناً اطمینان حاصل نماید که
مقامات رسمی در مقابل مردمی که به آن ها
خدمت مینمایند پاسخگو و حاضر اند. هرگاه
چنین میکانیزمی موجود نباشد رشوت و فساد به
اوج خود خواهد رسید.

اولین میکانیزم سیاسی پاسخگوئی یا احتساب،
انتخابات آزاد و عادلانه است. انتخابات
مامورین حکومتی جهت خدمت دوره های معین

ان‌ها را مجبور می‌سازد تا در مورد کارهای خویش بمردم معلومات دهند و به این ترتیب بجانب مخالف خویش این زمینه را مساعد می‌سازد تا پالیسی‌ها و نظریات متبادل خدمت بمردم را ارائه دارد. هرگاه رای دهنده از کارهای مامور منتخب راضی نباشد ممکن است در دوره بعدی به وی رای ندهد.

آنچه که مقامات رسمی در ساحه سیاسی به آن پاسخ می‌گویند اینست که آیا آن‌ها در يك سمت انتخابی کار میکنند یا انتسابی؟ تا کنون چند بار غرض انتخابات مجدد اقدام نموده‌اند؟ و تا چند دوره دیگر میتوانند خدمت نمایند؟

میکانیزم احتساب یا پاسخگویی قانونی مشتمل بر قانون اساسی، اقدامات پارلمانی، فرمان‌ها، احکام و سائر دستاویز قانونی بوده و به تشریح اقداماتی می‌پردازد که مقامات رسمی صلاحیت

اجرای آن را دارند و یا هم ندارند. درین میکانیزم
این اصل نیز شامل است که اتباع يك حکومت
چگونه میتوانند برضد انعده از مقامات
حکومتی اقدام کنند که کار کرد های شان قناعت
بخش نیست.

يك سیستم قضائی ازاد کلید موفقیت سیستم
پاسخگوئی قانونی پنداشته میشود زیرا بمردم
اجازه میدهد تا برضد حکومت اقامه دعوی
نماید.

میکانیزم احتساب قانونی شامل عناصر ذیل
است:

موجودیت يك لایحه اخلاقی و طرز العملی که
اعمال غیر قابل قبول مقامات را نشان دهی
نماید.

تصادم منافع و قوانینی که مسایل مالی را روشن
ساخته و از مامورین رسمی حکومتی بخواهد که

منابع مالی خویش را اشکار سازد تا مردم بدانند
که آیا منافع اقتصادی بر کار کرد های این
مقامات تاثیری داشته است یا خیر؟

قوانین (روشنگر) که مردم و مطبوعات را از
ریکاردها و ملاقات های حکومت مطلع سازد.
نیاز به مشارکت مردم: طوریکه نظریات مردم در
مورد يك تعداد فیصله های مشخص حکومت
گرفته شود.

تفتیش قضائی: طوریکه به محاکم صلاحیت داده
شود تا فیصله ها و اقدامات مامورین و ادارات
رسمی را مورد تجدید نظر قرار دهند.

میکانیزم احتساب اداری عبارت از دفاتری است
که در تشکیل ادارات و وزارت خانه ها تأسیس
میگردد و همزمان در پروسه اداری بخاطر این
هدف کار میکند تا دریابد که آیا اقدامات و

فیصله های مامورین رسمی به نفع مردم است یا
خیر؟

عناصراتی در میکانیزم احتساب اداری شامل
است:

اداره مفتشین که مسؤل سمع و حل شکایات مردم
است.

اداره تفتیش این مسئله را بررسی میکند که
بودجه رسمی بصورت نادرستی استعمال نگردد.

محاکم اداری: که شکایات مردم را در مورد
اجراات دفاتر استماع نماید.

مقررات اخلاقی: که از افشاگران حمایت نماید.
یعنی انعده کارمندان حکومت را که موارد ارتشا
و سوء استفاده از صلاحیت رسمی را افشا می
کنند از عکس العمل مقامات محافظت نماید.

انتخابات آزاد و عادلانه

انتخابات آزاد و عادلانه بمردمی که در یک دموکراسی نماینده زندگی میکنند فرصت می دهد تا در مورد ساختار سیاسی و مشی کشور متبوعش تصمیم بگیرند.

انتخابات آزاد و عادلانه امکانات انتقال مسالمت امیز قدرت را ازدیاد می بخشد. چنین انتخابات اطمینانی را بمیان می ارد که در نتیجه ان بازندگان انتخابات نتایج ان را قبول نموده و قدرت را به حکومت جدید تسلیم می نمایند.

فقط انتخابات نمیتواند متضمن دموکراسی باشد زیرا ممکن است دیکتاتوران با استفاده از منابع دولتی در انتخابات تقلب نمایند.

انتخابات آزاد و عادلانه مقتضی شروط اتیست:

اعطای حق رای دهی به تمام واجدین شرایط ان
اعم از مرد و زن- در دموکراسی اقلیت ها و
معیوبین از حق رای دهی محروم نه شده و این حق
مختص به طبقه با سواد و متمول نیست.
ازادی ثبت نام بصفت رای دهنده و یا کاندید مقام
رسمی.

تأمین ازادی بیان برای کاندیدان و احزاب
سیاسی- در نظام دموکراسی کاندیدان و احزاب
سیاسی اجازه دارند تا در مورد کارکرد های
حکومت بر سر اقتدار انتقاد نمایند.

تهیه معلومات بی طرف برای رای دهندگان
بوسیله مطبوعات آزاد، ازادی اجتماعات
سیاسی و کمپاین انتخاباتی.

مقرراتی که از نماینده گان احزاب بخواهد که در
روز انتخابات از مراکز رای دهی بدور باشند.
مسئولین انتخابات، داوطلبان و ناظرین بین

المللی میتوانند با مردم در مورد رای دهی کمک کنند ولی آنها حق مداخله در انتخاب رای دهندگان را ندارند.

ایجاد يك سیستم بی طرف و متوازن که انتخابات را دایر نموده و نتایج آن را تأیید کند.

مسئولین آموزش دیده انتخابات باید افراد مستقل سیاسی بوده و انانیکه از انتخابات نظارت میکنند باید از همه احزابی نماینده گی کنند که در انتخابات شرکت دارند.

رسیدگی به مراکز انتخاباتی، محل رای دهی محرمانه، صندوق های محفوظ رای دهی و طریقه شفاف رای دهی.

رای دهی سری: رای دهی سری موجب آن می گردد تا از انتخاب رای دهنده برضد وی کار گرفته نه شود.

تقلب در انتخابات: چنان قوانین بازدارنده باید وجود داشته باشد که از تقلب در انتخابات جلوگیری نماید (همچو دوبار رای دادن یا اعطای رای بنام شخصی که غایب باشد...)

مقررات شمارش مجدد اراء- چنان میکانیزم و مقررات قانونی باید وجود داشته باشد که بر اساس آن پروسه انتخابات مورد بررسی مجدد قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که انتخابات بصورت درست صورت گرفته است.

طریقه رای دهی- این طریقه که در کشورهای مختلف متفاوت است و حتی در يك کشور از هم فرق دارد مشتمل بر اجزای ذیل است:

ورق رای دهی: ورقه رای دهی سوراخ شده و یا بطریق دیگری نشانی شود، نشان و یا عکس کاندید باید بر ورقه رای دهی موجود باشد تا رای

دهندگان که فاقد سواد باشند بتوانند به آسانی
رای بدهند.

سیستم برقی- درین طریقه رای دهی رای دهنده
رای خود را به اثر تماس با شیشه و یا فشار دکمه
ماشین اعطا می نماید.

رای غیابی- زمانیکه رای دهنده نمیتواند در
روز معین رای دهی رای بدهد حق رای قبل از روز
انتخابات برایش اعطا میگردد.

ازادی مذهبی

تمامی اتباع باید این ازادی را داشته باشند تا در قسمت انتخاب مذهب از قضاوت وجدانی شان مطابعت نمایند. حق عبادت فردی و یا دسته جمعی، اشکار و یا پنهان شامل ازادی مذهبی میگردد. بر طبق ازادی های مذهبی مردم باید این حق را داشته باشند که بدون هراس از تعقیب حکومت و یا گروه های دیگر در فعالیت های مذهبی خویش و تعلیمات مربوط به ان اشتراك نمایند.

همه مردم این حق را دارند تا مطابق عقیده خویش عبادت نموده، بر طبق ان اجتماعاتی برگزار کنند، به همین مقصد محلاتی تعمیر نمایند و از ان نگهداری کنند.

همچو سائر ازادی های بشری، حق ازادی مذهبی از جانب حکومت تدوین و اعطا نمیگردد اما همه

حکومت‌ها مکلف‌اند تا ازین حقوق حفاظت نمایند.

هرچند يك تعداد زياد دموکراسی‌ها می‌خواهند مذهب و دولت را رسماً از هم جدا سازد اما در میان ارزش‌های حکومت و مذهب کدام تضاد اساسی دیده نمی‌شود.

معمولاً در دموکراسی ادارات حکومت یا سائر مقامات رسمی مکلف نیستند تا امور مذهبی را تنظیم کند اما حکومت‌ها شاید بخاطر ادای مالیات و یا اهداف اداری گروه‌های مذهبی و اماکن مربوطه آن‌ها را ثبت و راجستر نمایند.

حکومت‌های که از آزادی مذهبی مردم‌شان حفاظت می‌نمایند، همچو آزادی بیان و آزادی اجتماعات از سائر حقوق مردم خویش نیز حمایت می‌کنند.

دموکراسی های اصیل این حقیقت را درك میکنند که به حقوق مختلف سیاسی باید احترام شود و نقش اساسی حکومت باید این باشد که حقوق مذهبی مردم را حتی در زمانیکه حکومت بر يك گروه خاص مذهبی تحریم وضع کند، رعایت نماید.

حکومت متکی بر دموکراسی هم چنان: متن نشرات مذهبی، تعلیمات و خطبه ها را تهیه نمی نماید.

حکومت از حقوق پدر و مادر مبنی بر اعطای تعلیمات مذهبی به اولاد خویش حمایت می کند.

حکومت از تشدد مبتنی بر مذهب علیه افراد جلوگیری می کند.

حکومت از اقلیت های مذهبی، قومی و زبانی حمایت می کند.

حکومت بمردم اجازه میدهد تا از تعطیلات مذهبی خویش استفاده نموده و ایام مذهبی را تجلیل نمایند.

به ارتباطات ذات البینی میان مذاهب اجازه میدهد تا افراد مذاهب مختلف بتوانند روی موضوعات موقف مشترك اتخاذ نمایند و در مورد حل موضوعاتی همکاری نمایند که همه مردم با آن مواجه باشند.

دموکراسی به مقامات مذهبی، مؤسسات غیر حکومتی و خبرنگاران اجازه میدهد تا وقایع ناشی از اذیت و ازار مذهبی را مورد تحقیق قرار دهند. به این حقوق سازمان های مذهبی احترام نمایند که آنها بتوانند در جوامع مدنی بطور ازادانه اشتراك نمایند و با آنها مساعدت نمایند. مکاتب متکی به مذهب را اعمار نماید، شفاخانه ها و مراکز حمایت از سالخورده گان را رهبری

نمایند و به سائر پروگرام‌ها و فعالیت‌های
مبادرت ورزد که جامعه از آن مستفید شود.

حقوق زنان و دختران

تبعیض برضد زنان بدین معنی است که يك تعداد قوانین خاص و یا پالیسی ها تبعیضات، محرومیت ها و محدودیت های را بر اساس جنس بمیان می آورد.

دموکراسی باید تلاش نماید تا از حقوق زنان حمایت کند. اشتراك زنان را در حکومت و سائر ابعاد اجتماع تشویق نماید و به اعمار محلاتی متوسل شود تا زنان بتوانند در انجا تجمع نموده و نظریات شان را بصورت اشکارا ابراز دارند.

نماینده گی متناسب زنان بر اساس قانون و دسترسی ان ها به همه منابع قانونی از جمله حقوق قانونی زنان است.

حقوق زنان باید بصورت واضح تعریف گردد.
ابهام در مورد حقوق زنان موجب فقر و ناداری
زنان در سرتاسر جهان گردیده است.

زنان باید مستحق ملکیت و میراث باشند.

به زنان باید فرصت داده شود تا در تدوین و
تطبیق قانون اساسی و سائر لوایح سهم گردند.

حقوق ذیل را میتوان در زمره حقوق سیاسی زنان
شمرد: اعطای حق رای، حق کاندید شدن، حق
اشتراك در حکومت و حق تأسیس يك حزب
سیاسی.

دموکراسی باید ابتکارات جامعه مدنی را ترغیب
نماید- مؤسسات رسمی و غیر حکومتی باید به
زنان نشان بدهد که چگونه رای بدهند و آنها را در
مورد تاکتیک های سیاسی کمپاین های
انتخاباتی و تکمیل مراحل قانونی آموزش
بدهند.

فعال شدن زنان در همه ابعاد جامعه و اشتراك
انها در حكومت موجب تحكيم دموكراسی
میگردد.

زنان و دختران باید از تعلیمات ابتدائی بهره مند
گردند. انها باید از تعلیم و تدریس در مكاتب
متوسطه و یا پوهنتون ها منع نگردند.

اعطای حقوق اقتصادی به زنان به انها اجازه
میدهد تا بر ملکیت های خویش کنترل حاصل
نمایند و به انها کمک می نماید تا از ارتباطات نا
مشروع و مبتنی بر اغراض جنسی جلوگیری
نمایند.

حقوق اقتصادی زنان قرار ذیل است:

داشتن فرصت های مساوی کار با مردان.

اجتناب از برطرفی انها از وظیفه بخاطر داشتن
حمل و یا ازدواج

اعطای حق اشتراك به زنان در پروگرام های که موجب ازدیاد عواید آنها گردد همچو اعطای قرضه های كوچك و پروگرام های آموزش حرفوی. معاش، احترام و روش معادل با مردان با آنها در ساحه كار

دموكراسی باید سعی نماید تا صحت و رفاه زنان و دختران را تأمین نماید و در موارداتی حقوق مساوی با مردان را به آنها اعطا نماید:

مواظبت همگانی صحی، وقایه در مقابل امراض و حفاظت از مادر قبل از تولد طفل.

حفاظت زنان از مرض ایدز، بهبودی در نگهداشت زنان مصاب و کاهش سرایت این مرض از مادر به طفل.

مبارزه با قاچاقبرانی که زنان و اطفال را مجبور به فحشا می سازند و یا آنها را از طریق جعل

کاری، فریب و غیره به کارهای اجباری در داخل کشور می‌گمارند. و یا هم مبارزه با به اصطلاح توریزم جنسی که معمولاً از زنان و اطفال استفاده سوء میکنند.

اگهی به خانواده‌ها از عواقب صحتی و اجتماعی ازدواج‌های قبل از وقت.

تأسیس مراکز ضد تجاوز جنسی و تشدد خانواده‌گی و حمایت از قربانیان آن.

تربیه پولیس، وکلاء، قضاة و پرسونل صحتی بمنظور کاهش تشدد خانوادگی.

رسیدن به رهبری از طریق ائتلاف ها و مفاهمه
در هر جامعه گروه های متعددی وجود دارد که در
مورد مسائل دارای اهمیت عامه نظریات مختلفی
دارند. يك دموکراسی آزاد این حقیقت را بنفع
ملت دانسته و از تحمل در مقابل نظریات مختلفه
حمایت میکند.

يك حکومت دموکراتیک وقتی موفق می شود تا
سیاستمداران و مقامات رسمی آن به این واقعیت
پی ببرند که در مسایل متنازع فیه و یا مغلق
خیلی کم اتفاق می افتد که بر مبنای "درست و یا
غلط" به آن راه حلی دریافت گردد زیرا در مورد
اولویت های اجتماعی و یا اصول خانوادگی
پیوسته تعبیر های مختلفی وجود داشته است.

ازادی مطبوعات و اجتماعات پیوسته زمینه ساز
همچو مباحثات و تبادل افکار می گردد. آغاز
همچو مباحثات به حکومت موقع میدهد تا

معضلات را کشف نموده و به گروه‌های مختلف فرصت دهد تا با هم بنشینند و اختلافات شان را حل کنند. (در ساحه اقتصادی همچو تبادل افکار موجب ابتکارات و سرمایه گذاری می‌گردد که در واقعیت کلید پیشرفت اقتصادی پنداشته میشود.)

هرگاه منافع یکتعداد گروه‌ها و احزاب سیاسی در مورد بعضی مسائل با هم تطابق نماید با وجود اختلافات عمیق در مورد مسائل دیگر به تشکیل ائتلاف‌ها می‌پردازند و با رسیدن به تفاهم در مسائل مهم با حکومت در انسجام امور کمک میکنند.

ادارات قانون ساز در دموکراسی از طریق تشکیل ائتلاف‌ها به تصویب قوانین می‌پردازند.

در سیستم پارلمانی احزاب سیاسی از طریق ائتلاف با سائر گروه‌ها منافع خویش را تأمین نموده و به تشکیل حکومت می‌پردازند.

در سیستم ریاست جمهوری نمایندگان گاهی از حمایت حزب خود صرف نظر می‌کنند و در مورد يك سلسله موضوعاتی که به مردم حوزه انتخاباتی شان مهم باشد رای مخالف می‌دهند.

در ائتلاف معمولاً ضروری است تا يك حزب سیاسی بخاطر حصول اهداف عمده اجندای خویش از يك سلسله اختلافات خویش با سائر گروه‌ها صرف نظر کند.

از آنجاییکه در حکومت‌های ائتلافی گروه‌های دارای افکار متضاد سهیم‌اند، اغلباً امکان انحلال حکومت در آن‌ها وجود دارد. در برخی از دموکراسی‌ها ائتلاف حاکم بصورت عادی حتی

در يك سال چند مرتبه ائتلاف ميکند و بعداً ان را
منحل می نماید.

نقش مؤسسات غير دولتي

در دموکراسی ممکن است افراد عادی به تشکیل گروه‌های مستقلی بپردازند که احتیاجات جامعه و مردم خویش را مرفوع سازد، در کارهای حکومت مساعدت نماید، مکمل آن قرار گیرد و یا آن را چلنج نماید. این نوع گروه‌ها معمولاً بنام مؤسسات غير حكومتی یا NGO یاد می‌گردند زیرا آن‌ها جزء تشکیلات حكومتی نیستند.

مؤسسات غير حكومتی بمردم این فرصت را مساعد می‌سازد تا از طریق تعلیمات، حمایت، توجه به مسایل مهم، نظارت بر کارهای حکومت و سکتور خصوصی پیشرفت نمایند.

مؤسسات غير حكومتی افراد دارای افکار مختلف را قادر می‌سازد تا هنر کار کردن با هم را بیاموزند، مهارت‌های لازم جهت تشکیل يك

حکومت خوب را فرا گیرند و روابط با همی شان را تامین نمایند.

مؤسسات غیر حکومتی جهت تامین منافع گروه های مختلف کار میکند، آنها یا به خدمات اجتماعی می پردازد، از محیط زیست بمدافعه بر می خیزند، بخاطر ارتقای سطح زنده گی و معیار کار تلاش مینماید و یا هم بخاطر آوردن اصلاحات دموکراتیک فعالیت مینماید.

مؤسسات غیر دولتی معمولاً از گروه های دفاع میکند که در غیر ان گروه های متذکره از مشارکت در بحث روی پالیسی های رسمی محروم می ماند. آنها درب مفاهمت در همه مسائل اقتصادی و اجتماعی را در میان مردم بشمول زنان و اقلیت ها می گشاید.

بودجه مؤسسات غیر حکومتی از طریق کمک های شخصی، صندوق های کمکی، فابریکه ها،

ادارات مذهبی، سازمان های جهانی، سائر
مؤسسات غیر حکومتی، فروش اموال، عرضه
خدمات و حتی بعضاً از جانب حکومت تامین
میگردد.

بسیار دیده شده که مؤسسات غیر حکومتی در
مشارکت با حکومت کار میکنند. ممکن است
مؤسسات غیر حکومتی جهت تطبیق پروژه های
حکومتی در دریافت افراد دانشمند و ماهر در
محل و منطقه کمک کند.

ممکن است يك مؤسسه غیر حکومتی کاملاً بی
طرف باشد و یا هم بر نظریات حزبی متکی باشد
تا ازین طریق بتواند در حصول يك هدف و یا
اهداف مشخصی کار کند که منافع عامه مردم در
ان مضمّر باشد. اما جان سخن در اینست که يك
مؤسسه غیر حکومتی باید خیلی اندك تحت
تأثیرات سیاست حکومت قرار گیرد.

مؤسسات غیر حکومتی تقریباً در همه ان عرصه
های به رهبری پروگرام های محلی و جهانی می
پردازد که ممد پیشرفت اصول اساسی
دموکراسی قرار میگیرد و در ان مواردی شامل
است:

حقوق بشر: بخاطر کسب معیار های جهانی حقوق
بشر مبارزه نموده و بر تخلفات و استفاده نا
مشروع نظارت مینماید.

حاکمیت قانون: از طریق خدمات حقوقی خیلی
ارزان و یا هم رایگان حقوق مردم را به ان ها نشان
می دهد و یا هم بخاطر اصلاحات قانونی مبارزه
میکند.

اشتراك زنان: به زنان تعلیم می دهد که در يك
جامعه دموکراتيك و چند بُعدی از چه حقوقی
برخوردار اند.

مطبوعات ازاد: از طريق تربيه خبرنگاران و وضع
معیارهای اخلاقی برای ژورنالیزم به تقویه
مطبوعات ازاد می پردازد.

انکشاف احزاب سیاسی: از طریق تربیه ناظران
محلی و ثبت نام بی طرفانه رای دهندگان با
پروسه کمک می کند.

بسا دیده شده که موسسات غیر حکومتی یکجا
با حکومت کار میکنند. ممکن است موسسات
غیر حکومتی جهت تطبیق پروژه های حکومتی
در دریافت افراد دانشمند و ماهر در محل و
منطقه کمک کند.

ممکن است يك مؤسسه غیر حکومتی کاملاً بی
طرف باشد و یا هم بر نظریات حزبی متکی باشد
تا ازین طریق بتواند در حصول يك هدف و یا
اهداف مشخصی کار کند که منافع عامه مردم در
ان مضمرباشد. اما جان سخن در اینست که يك

مؤسسه غیر حکومتی باید خیلی اندک تحت
تأثیرات سیاست حکومت قرار گیرد.

مؤسسات غیر حکومتی تقریباً در همه ان عرصه
های به رهبری پروگرام های محلی و جهانی می
پردازد که ممد پیشرفت اصول اساسی
دموکراسی قرار میگیرد و در ان موارد اتی شامل
است:

حقوق بشر: بخاطر کسب معیار های جهانی حقوق
بشر مبارزه نموده و بر تخلفات و استفاده نا
مشروع نظارت مینماید.

حاکمیت قانون: از طریق خدمات حقوقی خیلی
ارزان و یا هم رایگان حقوق مردم را به ان ها نشان
می دهد و یا هم بخاطر اصلاحات قانونی مبارزه
میکند.

اشتراک زنان: به زنان تعلیم می دهد که در یک جامعه دموکراتیک و چند بعدی از چه حقوقی برخوردار اند.

مطبوعات آزاد: از طریق تربیه خبرنگاران و وضع معیارهای اخلاقی برای ژورنالیزم به تقویه مطبوعات آزاد می پردازد.

انکشاف احزاب سیاسی: از طریق تربیه ناظران محلی و ثبت نام بی طرفانه رای دهندگان با پروسه کمک می کند.

احتساب حکومت: با تحقیق در مورد پالیسی ها و نظارت بر کارهای حکومت ادارات حکومت را به جانب پاسخگوئی و احتساب می کشاند.

تعلیم و دموکراسی

تعلیم يك حق عامه بشری است. این حق هم چنان وسیله تحصیل سائر حقوق و رسیدن به اقتدار سیاسی و اجتماعی است. بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر کشور های جهان بر این امر موافقه نموده اند که تعلیم حق هر فرد است.

هر جامعه عادات، معیار های اجتماعی، فرهنگ و نظریات خویش را از نسلی به نسلی انتقال میدهند. میان ارزش های دموکراتیک و تعلیم ارتباط مستقیمی وجود دارد. متون تعلیمی و اقدامات مربوطه در جوامع دموکراتیک عادات دموکراتیک حکومت را تقویه میکند. این تعادلات تعلیمی برای دموکراسی اهمیت فراوان دارد. زیرا يك دموکراسی موثر پیوسته منطقی بوده و آن نوع حکومت را انکشاف می بخشد که خواهان تفکر آزاد از مردم است. کلید تغییرات

عمده سیاسی و اجتماعی همانا در اختیار مردم است. حکومت نباید از تعلیم بمنظور کنترل بر معلومات و بمثابه وسیله تحمیل افکار خویش بر متعلمین استفاده کند.

حکومت باید به تعلیم بحدی ارزش و اهمیت قایل شود و منابعش را به آن اختصاص دهد چنانچه به دفاع از مردمش اهمیت می دهد.

سواد بمردم این توانائی را میدهد تا از طریق مطالعه کتب و اخبار خویشان را از همه چیز آگاه سازد. مردم آگاه بخوبی میتوانند دموکراسی های خویش را انکشاف بخشند.

يك نظام تعلیمی در دموکراسی آگاهی در مورد سائر نظریات سیاسی و یا دیگر سیستم های حکومتی را از نظر بدور نمی دارد. در دموکراسی شاگردان تشویق میگردند تا با آموزش شفاف از

تاریخ و با استفاده از تحقیقات دقیق در رشد استدلال معقول کمک نمایند.

گروه‌های شخصی و مذهبی باید این اجازه را داشته باشند که به تأسیس مکاتب بپردازند و والدین باید این آزادی را داشته باشند که به اطفال خویش در خانه دروس مذهبی بدهند.

دروازه‌های مکاتب حکومتی باید بدون در نظر داشت نژاد، جنس، مذهب و یا مشخصات جسمی بروی همه باز باشد.

اصول و فعالیت‌های دموکراتیک باید تدریس گردد تا مردم بمتابه اتباع آزاد مسئولیت‌های خویش را درك کنند و به آن احترام نمایند.

در دموکراسی ضروری است تا مردم در مورد تاریخ جهان و کشور خویش و در مورد اصول اساسی دموکراسی معلومات داشته باشند.

نصاب تعلیمی در دموکراسی مشتمل بر تاریخ، جغرافیه، اقتصاد، فلسفه، ادبیات، حقوق، هنر ها، مطالعات اجتماعی، ریاضیات و ساینس بوده که برای پسران و دختران در نظر گرفته شده است.

شاگردان باید این آزادی را داشته باشند که از طریق ایجاد کلوپ ها و فعالیت های دسته جمعی اصول دموکراتیک را عملی سازند. مثلاً:

تأسیس يك نظام شاگردان به آنها در مورد پروسه دموکراتیک معلومات می دهد.

انتخابات نمونه و آزمایشی به شاگردان در مورد عادت رای دادن و اشتراك مردم آموزش می دهد و ان ها را در زندگی آینده خویش به این کار تشویق می نماید.

اخبار مکتب به آنها در مورد نقش مطبوعات آزاد
در جامعه و اهمیت ژورنالیسم مسئولانه آگاهی
میدهد.

تأسیس کلوپ های مدنی روابط شاگردان با
جوامع بزرگتر را رشد می دهد.